

فرهنگ ازدواج در بستر ارزش‌های اسلامی

دکتر غلامعلی افروز

اندیشه‌ای کند و چیزی را به عنوان مهر تعیین نماید، ولو قول یا تعهدی برای ارائه خدمتی خاص برای مدتی معین باشد. در هر حال همه سخن این است که تمام تلاش و کوشش ما باید در این جهت هدایت شود که ازدواج دو جوان با کفایت، متعهد و مسؤولیت‌پذیر، به هنگام صورت پذیرد.^۱

البته سخن این نیست که حتماً مهر، فوق‌العاده ناچیز و اندک باشد، بلکه جان کلام این است که مهر تعیین شده باید از روی صدق و صفا و صمیمیت و بر مبنای واقعیت و توان جوان و مرد داوطلب ازدواج باشد. از همین رو چنانچه آقای جوانی که آماده ازدواج می‌باشد قادر است از امکانات شخصی و یا تسهیلات و مقدمات خانوادگی چیز قابل توجهی را به عنوان مهر به دختر خانمی که مایل است شریک زندگی‌اش

"مهریه"

"مهر" یا "مهریه" در فرهنگ ارزش‌های اسلامی چیزی است که "مرد" با عنایت به توانمندی‌های بالفعل و بالقوه و حقیقی خود از سویدای دل در نظر می‌گیرد و به "زن" پیشکش می‌کند، زنی که در نظر دارد تا پایان عمر با او زندگی کند و در سعادت و رستگاری دنیا و آخرتش سهیم است.

واقع امر این است که برای "مهر" در فرهنگ اسلامی مورد یا نوع خاص و یا مقدار و میزان معین تعیین نشده است، زیرا چنانچه در شرع مقدس اسلام برای "مهر" مورد خاصی در نظر گرفته می‌شد - اعم از مادی و معنوی - که مرد موظف بود فقط همان را به همسر خود تقدیم کند، چنین شرایطی نیز بعضاً می‌توانست مانعی برای ازدواج بهنگام برخی از داوطلبان موجه و واجد شرایط ازدواج باشد. به عنوان مثال اگر کسی پول معین یا جنس مشخص و یا حتی توان یاددهی آیاتی از قرآن کریم را نداشت، باز هم لازم بود



دور از هر گونه نگرش‌های ناصحیح فرهنگی، عقاید قلبی، کلیشه‌ای و عوامانه صورت بپذیرد و در آن معیارهای منطقی و واقع‌بینانه مدنظر باشد.

مشاهده صدها زوج جوان که بعد از دو سه سال زندگی زناشویی، برای انجام جدایی در راهروهای دادگستری این سو و آن سو می‌روند و نیز تماشای رفتار و شنیدن صحبت‌های مصرانه برخی از عروس خانم‌هایی که مهریه‌ای هزار سکه‌ای دارند و با چشم پوشی از همه حق و حقوق شرعی خود و گذشت از مهریه کلان، طالب جدایی و جاری شدن صیغه طلاق هستند، هر نظاره‌گر بصیر و هوشمند را به اندیشه و تأمل فراوان وا می‌دارد. دو جوانی که همین چند وقت پیش در نهایت آزادی و اراده داوطلب ازدواج با هم بودند و همواره از قشنگ‌ترین واژه‌ها و زیباترین تعبیرات برای ابراز دوستی و علاقه خود نسبت به یکدیگر بهره می‌گرفتند و با دنیایی از آرزوها و رؤیاهای شیرین با مهریه آن چنانی، خرید فراوان عروسی، تهیه جهیزیه و برگزاری جشن‌های عقد و عروسی زندگی مشترک خود را آغاز کردند، اینک پس از چند صباحی، آن چنان خشم و نفرت وجودشان را فرا گرفته که مصرانه خواهان جدایی‌اند. اکنون همه احساسات خوشایند گذشته، واژه‌های زیبای پیشین و روابط شیرین دوران نامزدی به پایان رسیده و همه اندیشه و تلاش ایشان برای رهایی از وضع موجود است.

به راستی چرا درصد قابل توجهی از ازدواج‌ها سرانجامی این چنین می‌یابند؟ چرا باید "ازدواج"، این حیاتی‌ترین انتخاب، مقدس‌ترین پیوند و سرنوشت‌سازترین حرکت گاه به دلایل گوناگون با شکست مواجه شود و زن و شوهر پس از چند سال آشنایی و زندگی مشترک از هم جدا شوند؟ با

باشد پیشکش نماید، به طور قطع بلامانع خواهد بود. به عنوان مثال آقای می‌خواهد شش دانگ یا سه دانگ خانه‌ای را که برای زندگی مستقل و مجزا تهیه کرده است به عنوان مهر تعیین نموده، به نام همسرش ثبت کند، یا مبلغ در خورتوجهی را در حساب پس‌انداز و قرض‌الحسنه‌ای به نام همسر خود واریز نماید و دفترچه پس‌انداز را به عنوان مهر به همسرش تقدیم کند و یا اگر مایل است و برایش مقدور می‌باشد تعداد زیادی سکه بهار آزادی تهیه کند و هنگام جاری شدن صیغه عقد به همسرش پیشکش نماید. از سوی دیگر خانم هم این اختیار را دارد که در صورت تمایل و به هر دلیلی که خود می‌داند و بر همان مبنا تصمیم می‌گیرد، همه و یا بخشی از مهری را که دریافت داشته است ایشارگرانه در اختیار شوهر قرار دهد. زیرا مهر چیزی است که مالک و اختیاردار تام آن زن است و هیچ‌گونه تعهدی برای هزینه کردن آن در زندگی مشترک ندارد و از این رو می‌تواند آن را به هر که بخواهد ببخشد و در هر مسیری که صلاح می‌داند هزینه نماید. به عنوان مثال دل‌یتیمی را شاد کند، لوازم اولیه و ضروری زندگی زوج جوان کم بضاعتی را تدارک ببیند و...

نگارنده این سطور بارها و بارها در مشاوره با زوج‌های جوان از نزدیک شاهد بوده است که نه تنها مهرهای سنگین تضمینی برای ازدواج پایدار و زندگی آرام و سعادت‌مند نبوده، بلکه گاهی در ادامه زندگی و بروز ستیزهای خانوادگی و یا متأسفانه هنگام جدایی، برای طرفین، به ویژه خانم، مایه دردسر بوده است.^۲

در هر حال مهر زمانی می‌تواند معنا و مفهوم پرارزشی داشته باشد که برخاسته از صداقت و از روی محبت و مهرورزی و جان‌مایه‌ای برای حیات مشترک باشد. بنابراین تعیین "مهر" باید به

فرایند آشنایی و شناخت متقابل دخترها و پسرهای آماده ازدواج و مراسم خواستگاری

آشنایی و شناخت متقابل دختران و پسران آماده ازدواج و خانواده‌های ایشان مهم‌ترین عامل موفقیت در ازدواجی پایدار، پربرکت و سعادتمند است.

این موضوع در مناطق مختلف کشور، در شهرها و روستاها و با توجه به باورها و آداب و رسوم بومی، از ویژگی‌ها و حساسیت‌های خاص برخوردار است. بدیهی است در مناطق کم‌جمعیت مانند روستاها و شهرهای کوچک که اکثر قریب به اتفاق خانواده‌ها همدیگر را به خوبی می‌شناسند و به گونه‌ای مستقیم و غیرمستقیم با یکدیگر قرابت نسبی و یا سببی دارند و عموماً در ارتباط و تعامل مستمر می‌باشند، شناخت بیش‌تر دختر و پسر آماده ازدواج می‌تواند با نظارت و حمایت خانواده‌های ذریبط، به سهولت صورت

کمال تأسف در حال حاضر در برخی از شهرها بعضاً بیش از ۱/۲ ازدواج‌ها بعد از چند صبحی منجر به طلاق و جدایی می‌شود.

با عنایت به این که در آینده درباره پرسش اساسی فوق نکاتی را متذکر خواهیم شد، در این قسمت و در ادامه بحث هنگامه ازدواج به فرایند آشنایی و شناخت داوطلبان ازدواج از همدیگر می‌پردازیم. چرا که ریشه بسیاری از ناکامی‌ها و شکست‌ها در ازدواج و جدایی زوج‌های جوان را می‌توان در نحوه آشنایی و ضعف در شناخت صحیح ایشان از یکدیگر قبل از پیوند زناشویی جست‌وجو کرد. پیشنهادهای عجولانه و قبول تعهدات انجام نشدنی، فزون‌طلبی‌ها و پیروی از تشریفات غیرضرور، همه و همه زمانی صورت می‌پذیرد که خانواده‌ها و داوطلبان ازدواج شناخت جامع و چندان قابل اعتماد و پایداری نسبت به یکدیگر نیافته‌اند.



لحاظ نجابت، اصالت و تعهدات اخلاقی و یا کم‌رویی و کم‌توانی در ارتباطات اجتماعی، به گونه‌ای که بایسته و شایسته است فرصت‌های چندانی برای آشنایی و شناخت فردی و خانوادگی نمی‌یابند. از همین روست که خطرترین رسالت در این امر مهم بر عهده الگوهای مطلوب بزرگسال است، بزرگسالان اندیشمند، فهیم و مورد اعتمادی که بتوانند با ایفای نقش سترگ، حساس و پربرکت خود به سان حلقه‌های رابط زمینه آشنایی و شناخت متقابل دخترها و پسرهای آماده ازدواج و خانواده‌های ایشان را فراهم آورند. به سخن دیگر، فراهم کردن زمینه آشنایی و شناخت خانواده‌ها و جوانان در آستانه ازدواج با نیت خیر و هدف مقدس زوجیت، توسط هر شخص مطمئن، دور اندیش، خیرخواه و مورد وثوق طرفین در شهرها و روستاهای مختلف، به ویژه در شهرهای بزرگ، همچون تهران، امری بسیار مهم، ارزشمند، پرثواب و حیاتی است. اجر و ثواب این رسالت عظیم و سرنوشت‌ساز در نزد پروردگار احد و صمد زوج آفرین، برای شخص یا اشخاص رابط، خیرخواه، آشنا به معیارهای کفویت، همتایی و همسری، عارف به مبانی استحکام خانواده و عوامل مؤثر در آرامش و خوشبختی زن‌ها و شوهرها و مورد اعتماد و وثوق خانواده‌های مورد نظر، فوق‌العاده زیاد و افزون بر هزاران نماز و روزه است. چنین افرادی با اندیشه و حسن تدبیر برای برقراری رابطه آشنایی و شناخت متقابل خانواده‌ها و پسران و دختران با کفایت و آماده ازدواج ایشان و با بررسی همه جوانب امر، برنامه پیشنهادی خود را ارائه می‌دهند. در حقیقت این قبیل اشخاص بلنداندیش که همچون مصلحان جامعه به اصلاح یکی از مهم‌ترین امور مسلمانان می‌پردازند، همواره

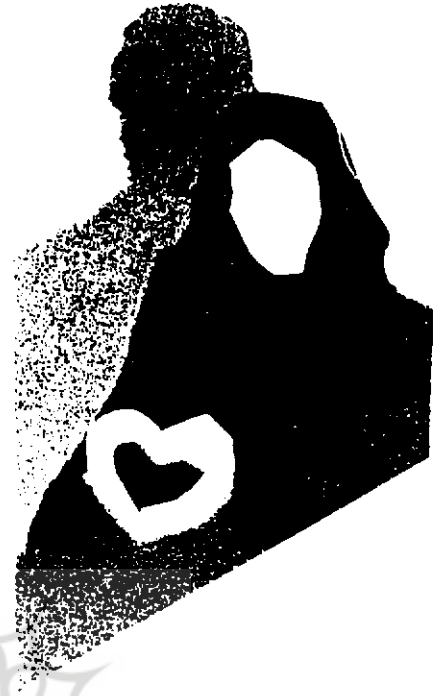
پذیرد. لیکن مسأله آشنایی و ارتباط مؤثر و شناخت متقابل بسیاری از دخترها و پسرهای موجه و آماده ازدواج در شهرهای بزرگ نظیر تهران، با توجه به گستردگی و پیچیدگی روزافزون بافت شهری و تنوع فرهنگی در آن، امری است بسیار مهم و قابل بررسی. به عنوان مثال، خانواده‌هایی که در سال‌های اخیر بنا به دلایلی از شهرهای کوچک و مناطق روستایی کشور به تهران مهاجرت کرده و در این شهر بزرگ و گسترده مقیم شده‌اند و دوستان و خویشاوندان چندانی در این کلان شهر پرهیاهو ندارند، و یا خانه‌هایی که اصالتاً تهرانی هستند اما به دلایل شخصی و خانوادگی و یا کم‌رویی و کم‌مهارتی در روابط اجتماعی، ارتباطات چندانی با اقوام و بستگان و همسایگان ندارند، به هنگامی که فرزندان ایشان با احراز کفایت‌های لازم در شرف ازدواج قرار می‌گیرند، غالباً نمی‌دانند که چگونه باید عمل کنند، با چه کسی سخن بگویند و از چه شخصی مشورت و راهنمایی بطلبند. بدون تردید این وضعیت برای این قبیل خانواده‌ها که دختران شایسته، لایق، متعهد، با کفایت و آماده ازدواج دارند، دخترانی که دوره پیش‌دانشگاهی را به اتمام رسانده ولی هنوز در دانشگاه ادامه تحصیل نمی‌دهند و یا در محل و مرکز و سازمان خاصی کار نمی‌کنند و در کلاس‌های متنوع و متفرقه مانند کلاس زبان، هنر، تقویتی، تربیت بدنی و نظایر آن حضور ندارند و چندان اهل رفت و آمد با دوستان و رفتن به مجالس گوناگون، گردش در پارک‌ها و بوستان‌های مختلف و رفتن به سینما و رستوران نیستند، فوق‌العاده دشوار و قابل توجه است. پرواضح است که بسیاری از دختر خانم‌ها و آقا پسرهای این قبیل خانواده‌ها، بعضاً حتی به رغم تحصیلات دانشگاهی نیز به

صفات دلسوختگان بلند همت جامعه آراسته گردانند و در این مسیر هیچ تردید و سستی به خود راه ندهند.

گاه برخی افراد با فکری محدود، اما هیأتی حق به جانب که عموماً ازدواج خودشان هم با واسطه‌گری دیگری و معاونت شخص دیگر صورت پذیرفته است، رسالت مهم و ارزشمند اشخاص وارسته، متعهد، توانمند، صدیق و مورد وثوق را در امر معرفی و توصیه دو خانواده و دو جوان با کفایت و آماده‌ی ازدواج برای آشنایی، شناخت متقابل و زوجیت احتمالی، دخالت در امور شخصی و زندگی دیگران تلقی نموده، ناخشنودی و نگرانی خودشان را نسبت به چنین مداخله‌ای ابراز می‌دارند و به سادگی و به دور از هر تأمل و اندیشه‌ای رابطان مصلح و خیراندیش را از وظیفه سترگ و پراج خود، یعنی فراهم ساختن زمینه آشنایی و شناخت داوطلبان ازدواج نهی می‌کنند!!

البته نگرانی اصلی چنین افراد محافظه‌کاری عمدتاً این است که اگر خدای ناکرده وصلت و ازدواجی که در پی معرفی و توصیه شخص رابط و خیر اندیش صورت می‌گیرد، پس از مدتی منجر به جدایی و طلاق شود، خانواده‌های ذریبط شخص رابط و واسط را مقصر اصلی پنداشته، وی را مورد شماتت، انتقاد و سرزنش قرار می‌دهند. در حالی که این قبیل افراد ساده‌نگر و عافیت طلب که غالباً دیندار و اهل نماز و روزه نیز هستند، نسبت به چند نکته مهم و قابل ملاحظه که در این جا به اختصار به آن‌ها اشاره می‌شود، غافل و کم‌توجه می‌باشند:

نخست این که پروام‌ترین ازدواج‌های هر جامعه، ازدواج‌هایی هستند که معرف اصلی زوج‌ها برای آشنایی و شناخت هر چه بیش‌تر،



متعهدانه، مخلصانه و شجاعانه خود را از جمله مخاطبان فرمان الهی: **وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ** و اما اینک^۳ می‌پندارند. لذا انتظار می‌رود شمار چنین افراد نیک‌اندیش و پیشگامی که به مثابه سرداران جبهه فرهنگی برای سلامت و پویایی جامعه اسلامی تلاش می‌کنند و همواره وجودشان با تأییدات خداوند متان و قدردانی و تکریم خانواده‌های حق‌شناس و جوانان فهیم همراه و قرین است، روزافزون گشته، همه مسؤولان و مدیران فرهنگی، شخصیت‌های مورد وثوق، اعم از استادان حوزه و دانشگاه، امامان جماعات، مبلغان دینی و مروجان فرهنگ و ارزش‌های اسلامی، مشاوران جوانان و خانواده‌ها و هر آن کس که می‌تواند، جامعه مصلحان دلسوز، رابطان متعهد، با کفایت، مخلص، مدیر، مدبّر و خیراندیش را بر تن پوشیده، قامت خود را به زیور

شخص صالح، متعهد، خیرخواه، مورد وثوق طرفین، آشنا به مبانی و اصول زناشویی و عارف به معیارهای انتخاب همسر برتر و ارزش‌ها و شاخص‌های فرهنگی و روانی کفویت در همسری بوده است و به ندرت در این قبیل ازدواج‌ها جدایی و طلاق صورت می‌پذیرد. در واقع کانون‌های گرم زوج‌های جوان، حاصل اندیشه و آشنا کردن پسر و دختر آماده ازدواج و خانواده‌هایی است که از نظر ارزش‌های فرهنگی، معیارهای اخلاقی، کفایت‌های شخصی و قابلیت‌های خانوادگی و اجتماعی بیش‌ترین تجانس و قربت را دارند؛ و چنین معارفه‌ای توسط رابطان صدیق و معرف‌های صالح و مخلص صورت می‌گیرد. اما متأسفانه در غالب موارد بیش‌ترین آسیب‌پذیری‌ها، همسرستیزی و جدایی و طلاق را در ازدواج‌هایی مشاهده می‌کنیم که آشنایی اولیه و ارتباط دختر و پسر برای مدت‌های طولانی در خارج از محیط خانواده و به دور از نظارت، حمایت و هدایت خانواده‌ها و الگوهای مطلوب بزرگسال صورت پذیرفته است.^۴

بنابراین نقش ارزشمند رابطان صالح و مطلع و معرفین صادق، صاحب‌نظر و اهل بینش و بصیرت در امر زناشویی موفق، سهم بسزایی در پیش‌گیری از طلاق، بهداشت خانواده و بالطبع سلامت، پویایی و تعالی جامعه دارد.

دوم این که در این قبیل موارد آنچه از نظر شرع، منطقی، عقل سلیم و ارزش‌های اخلاقی حائز اهمیت و ارزشمندی و متضمن ثواب و اجر فراوان اخروی و رضامندی و آرامش روان در زندگی اجتماعی است، اندیشه و نیت خیری است که در پس چنین معارفه و اقدام بایسته و شایسته وجود دارد. چراکه به فرموده رسول خدا - صلی الله علیه

و آله - إنما الاعمال بالنیات. یعنی ارزش واقعی هر عمل در چگونگی نیت و هدف عامل آن نهفته است و هنگامی که شخصی عمل صالح و اقدام مطلوبی را برای رضای خدا و از روی خیرخواهی و برای زوجیت بایسته و شایسته و آرامش و سعادت و نیک بختی دو جوان داوطلب ازدواج انجام می‌دهد، پاداش معنوی و اجر اخروی وی در گرو نتیجه عمل نخواهد بود و خداوند از درگاه لایزالش اجر و پاداش فراوان او را می‌دهد. حال اگر خدای ناکرده بنا به علل و دلایل گوناگون در جریان زندگی مشترک آن زوج مشکلی پیش آید، دعوایی روی دهد و احیاناً در موارد فوق‌العاده نادر به دلیل خاصی طلاق صورت گیرد، از این بسایت ذره‌ای تقصیر و گناه متوجه آن شخص نخواهد بود. در واقع این عمل شایسته، یعنی برقراری ارتباط و زمینه‌آشنایی و شناخت داوطلبان موجه و آماده ازدواج به مشاوره‌ای می‌ماند که معمولاً انسان‌های رشد یافته و اهل فکر از مشاوران صاحب‌نظر، متخصص و متعهد در زمینه‌های مختلف دریافت می‌دارند و انسان‌های عاقل و فهیم، هرگز مشاوران مخلص، امین و صدیق، مجرب و بصیر را مسؤول نتایج خوشایند و یا احتمالاً ناخوشایند اعمالی که نهایتاً خود پس از مشورت‌های لازم، تصمیم به اجرای آن می‌گیرند، نمی‌دانند. پرواضح است که مشاوران امین و رابطان صدیق و دلسوز نیز با عنایت به توان فکری، قابلیت‌های اجتماعی و تعهد و اهلیت خود در زمینه خانواده و آشنایی با معیارهای کفویت و شاخص‌های پایدار انتخاب همسر و زندگی سعادت‌مند زناشویی اقدام به اظهار نظر و توصیه و پیشنهاد آشنایی و شناخت هر چه بیش‌تر دو خانواده و دو جوان داوطلب ازدواج می‌نمایند. بدیهی است که کار مهم و مسؤولیت معرف در



امر ازدواج، فراهم ساختن زمینه آشنایی و شناخت اولیه و معارفه دو جوان مورد نظر و خانواده‌های ذریبط است و این آشنایی و شناخت که از طریق رابط مورد وثوق صورت می‌گیرد، خود می‌تواند مستعدترین بستر تحقیق را برای هر دو خانواده پسر و دختر برای کسب اطلاعات دقیق‌تر و جامع‌تر نسبت به وضعیت زیستی، شناختی، روانی، اخلاقی، خانوادگی و اجتماعی یکدیگر را فراهم آورد.

ثالثاً، همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، کار معرفی و آشنا نمودن دو جوان واجد شرایط که از بیش‌ترین کفویت، همتایی، هم‌اندیشی و همدلی برخوردارند و فراهم کردن زمینه شناخت متقابل خانواده‌های ذریبط نسبت به یکدیگر توسط انسان‌های متعهد، توانمند، صالح، دوران‌دیش و عارف به مبانی ارزشی خانواده و مجرب در مسائل روان‌شناسی اجتماعی، نه تنها لبیک گفتن به فرمان الهی مبتنی بر برقراری رابطه و صلح و صفا میان خانواده‌ها و جوانان مؤمن و اصلاح‌آمورشان است، بلکه بیش‌ترین پاداش و ثواب الهی و آرامش روانی را به همراه دارد. ثواب برقراری ارتباط و فراهم نمودن زمینه آشنایی جوانان آماده ازدواج از هزاران نماز و روزه بیش‌تر است. پس چرا باید انسان‌های قابل، توانمند و مورد وثوق از چنین اجر عرشی و احساس آرامش درونی بی‌نصیب مانند؟ رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - فرمودند: "مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَكَأَنَّمَا عَبْدُ اللَّهِ يَسَعُهُ أَلْفَ سَنَةٍ صَائِماً نَهَارَهُ، قَائِماً لَيْلَهُ."^۵ هر کس که برای برآورده شدن نیاز برادر مؤمن خود تلاش کند، مثل آن است که نه هزار سال خداوند متعال را عبادت کرده باشد، در حالی که روزها روزه بوده و شب‌ها را هم شب زنده‌داری می‌کرده است. امام صادق - عَلَيْهِ السَّلَام

- نیز فرمودند: "حرکت و تلاش مسلمان در مسیر برآوردن حاجت مسلمان دیگر از هفتاد طواف خانه خدا بهتر است."^۶ به یقین نیاز به ازدواج و همراه شدن با همسر مؤمن، صالح و آرام‌بخش در حیات مشترک، از مهم‌ترین نیازهای جوانان و مردان و زنان بی‌همسر می‌باشد و هرگونه تلاش برای حسن تأمین چنین حاجت و نیاز فطری و جدی، بیش‌ترین ثواب را به همراه دارد.

رابعاً، تردیدی نیست که یکی از مهم‌ترین مسائل و دغدغه‌های فکری خانواده‌هایی که فرزندان آماده ازدواج دارند، فراهم شدن همسری همتا، همدلی همراه، وجودی لایق و شایسته و آرام‌بخش برای دختر یا پسرشان است. این تشویش و دغدغه خاطر طبیعی در خانواده‌های متعهدی که در شهرهای بزرگی چون تهران زندگی می‌کنند، علی‌الخصوص در نزد آن دسته از خانواده‌هایی که به دلایل گوناگون از گستره روابط اجتماعی چندانی بهره‌مند نیستند، فوق‌العاده مشهود و قابل ملاحظه است. این جانب در طول فعالیت‌های دانشگاهی، کار در مراکز مشاوره، در ضمن سخنرانی‌ها و گفت‌وگوهای گروهی با خانواده‌ها و جوانان، مدیریت مجله پیوند و مسؤولیت بخش مشاوره آن، با هزاران جوان

شایسته، دختر و پسر لایق و موثقی که از چند سال پیش آمادگی و کفایت‌های لازم را برای زوجیت با همسری همراه و همدل دارا بوده‌اند، مواجه بوده‌ام و زمانی که عندالصلاح نظر ایشان را درباره ازدواج جویا شده‌ام، عموماً خود و یا خانواده ایشان گفته‌اند که چنانچه جوان سالم، صالح، خوش اخلاق و متعهدی معرفی شود، با کمال خرسندی از این معرفی و پیشنهاد استقبال خواهند کرد. گاهی آقا پسرها و به ویژه دختر خانم‌های متعهدی که تحصیلات دانشگاهی خود را نیز به اتمام رسانده‌اند، به رغم برخوردار بودن از کفایت‌های لازم برای ازدواج، جمال و کمال مطلوب و خانواده‌ای فهیم و بصیر، عمدتاً به دلیل فقر ارتباطی و خلاء وجود رابطی مطمئن و قابل وثوق برای فراهم نمودن زمینه آشنایی و شناخت متقابل، ازدواجشان چندین سال به تعویق افتاده است.

آری، تعویق در ازدواج دختر خانم‌ها و آقا پسرهای متعهد و شایسته‌ای که آمادگی خود را برای ازدواج با همسری همنا اعلام می‌دارند، صرفاً به دلیل فقدان یا خلاء حلقه رابط، می‌تواند موجبات نگرانی و دغدغه خاطر خانوادگی را به همراه داشته باشد؛ دغدغه‌ای که ممکن است دامنه آن فراتر از مرزهای خانوادگی رفته، به تدریج به عنوان یک معضل جدی در جامعه اسلامی خودنمایی کند. و امروز جامعه ما با این مشکل و نگرانی روزافزون مواجه است. اگر بالا رفتن سن ازدواج در میان دختران و پسران اروپایی و امریکایی به لحاظ پیچیدگی‌های زندگی ماشینی، حاکمیت فن‌آوری نو در عرصه‌های مختلف اجتماعی و روابط بین فردی، کم‌توجهی جوانان به مبانی اخلاقی و ارزش‌های خانوادگی امری قهری و عادی تلقی شود، به طور قطع این امر در جامعه

بدیهی است که در چنین شرایطی، شایسته و بایسته آن است که همه اندیشمندان فهیم و صدیق، همه مشاوران متعهد و دلسوز، همه صاحب‌نظران بصیر و مخلص و همه کسانی که اهلیت و شایستگی واسط و رابط بودن برای آشنایی و شناخت متقابل داوطلبان ازدواج را دارند، کمر همت بسته، به رسالت خطیر خود عمل کنند. به نظر این جانب اهمیت و ضرورت چنین مسؤلیتی در جامعه اسلامی ما هر روز بیش‌تر و محسوس‌تر می‌شود.^۷

الحق که پیشگام شدن صاحب‌نظران فهیم و دلسوز و خادمان مخلص فرهنگ اسلامی و همه آنان که کفایت و شایستگی لازم را دارند، اهتمام به حل و فصل یکی از برجسته‌ترین معضلات خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی جامعه کنونی ماست. پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - فرمودند: "من اصبح و لم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم".^۸ هر کس سحر کند و در اندیشه رسیدگی به امور مسلمانان نباشد، مسلمان نیست. و امروز دغدغه ازدواج بهنگام، موفق و پایدار جوانان، از مهم‌ترین امور خانواده‌های مسلمان است.

پی‌نوشت‌ها:

۱- در فقه اسلامی، نظر بسیاری از بزرگان دین از جمله حضرت امام خمینی -رحمت الله علیه - چنین است که اگر در تعیین مهر خلافی صورت پذیرد، مثلاً چیز حرامی به عنوان مهر تعیین شود و بر همان مبنای عقد جاری گردد، عقد ازدواج بین زوج صحیح و قابل قبول است، لیکن به عهده فرد است که "مهر" را اصلاح کند.

۲- در یک مورد عروس خانم جوان پس از این که متوجه اعتیاد همسرش می‌شود، پس از ناراحتی‌های فراوان و در دسرهای زیاد و نهایتاً عدم درمان‌پذیری و اصلاح شوهر خودکامه و رسیدن به نقطه جدایی، به رغم بخشیدن مهریه خود به میزان یک هزار عدد سکه بهار آزادی، باز هم آقا داماد معتاد و خودخواه حاضر به طلاق توافقی نبود و با اندیشه اخذی برای رضایت دادن به طلاق مبلغ هفت میلیون تومان از خانواده دختر طلب پول نقد می‌کرد، که پس از چندین جلسه مشاوره، مسأله به صورت مطلوب حل شد.

در موردی دیگر زن و شوهری پس از ماه‌ها دعوا و ستیز و ادامه زندگی جداگانه (هر کدام در خانواده پدری خود) و مصر بودن عروس خانم برای طلاق به جهت رفتارهای ناخوشایند همسر، در یک مرحله از کشاکش‌ها عروس خانم مهریه خود را که ۸۰۰ عدد سکه بود از طریق مراجع قانونی به اجرا می‌گذارد. آقا داماد ممنوع‌الخروج می‌شود و با اظهار عدم بضاعت برای پرداخت مهریه به صورت یکجا و قسطی (به دلیل بیکاری و غیره)، مسأله طلاق توافقی کماکان پیگیری می‌شود و در نهایت آقا داماد لطف نموده، با شرایطی حاضر به طلاق همسر می‌شود. از جمله شرایط وی این بود که عروس خانم همه مهریه خود را ببخشد و از اجرا خارج نماید و مالیات قانونی متعلق به مهریه اجرا گذاشته شده توسط خانواده دختر خانم پرداخت شود و...

۳- مردان و زنان بی همسر را از جمع خودتان همسر دهید و نیز خدمتگزاران و خادمان صالح خود را همسر دهید (سوره نور، آیه ۳۲).

۴- متأسفانه در چند سال اخیر یکی از دلایل جدایی و طلاق در بین همسران جوان، اعتیاد شوهر است و در غالب موارد آقا پسر مدت‌ها قبل از ازدواج به صورت‌های مختلف با مواد مخدر سروکار داشته و به گونه‌ای زیرکانه اعتیاد خود را در زمان ازدواج از نظر دختر خانم و خانواده وی پنهان کرده است.

۵- بحار، جلد ۷۴، صفحه ۳۱۵.

۶- مشی‌المسلم فی حجة المسلم خیر من سبعین طوافاً بالبيت الحرام (بحار، جلد ۷۴، صفحه ۳۱۱).

۷- البته علاوه بر نقش مهم و بی‌بدیل رابطان شایسته، توانمند و مخلص برای معرفی و آشنایی متقابل داوطلبان ازدواج، بعضاً نهادها و تشکل‌های محدودی نیز با عناوینی نظیر "کانون ازدواج" به این مهم می‌پردازند، لیکن بسیاری از جوانان داوطلب ازدواج آمادگی روانی لازم را برای مراجعه به این قبیل مراکز نمی‌یابند و در هر حال بیش‌ترین مسؤلیت همواره متوجه رابطان مستقل و متعهد است.

۸- نهج‌الفصاحه، ترجمه ابوالقاسم پاینده.

